

اخبار و گزارش های کارگری 19 بهمن ماه 1404

- در مواجهه با اخبار بحران و جنگ، چطور از خود مراقبت کنیم؟

- بازداشت صدها کارگر معترض به وضعیت معیشتی توسط کلان پیمانکار نفت!

قرارگاه خاتم الانبیا بنگاه اقتصادی یا ماشین چاپ اسکناس دستگاه سرکوب!

- ادامه یکنشبه های اعتراضی کارگران بازنشسته کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با تجمع مقابل اداره تامین اجتماعی شهرستان شوش

(شروع تجمع با یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جان باختگان اعتراضات سراسری دی ماه 1404)

- تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی؛ فراخوان تجمع اعتراضی برای دومین روز متوالی

- ادامه اعتراضات کارکنان دفاتر تعاونی های شهرستانی سهام عدالت کشور نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و بی خیالی صاحب منصبان با سفر به تهران برای چندمین بارو برپایی تجمع مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی

- صدای حق خواهی جمعی از پرستاران استان اردبیل

- ادامه اعتراضات جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری تهران

- #نیمکت های خالی

کودکان از دست رفته؛ خاطره ای که خاموش نمی شود

- فریاد مادر ایلیا اجاقلو در خاکسپاری فرزندش: «دامادیت مبارک»

- گزارش آخرین وضعیت عبدالله رضایی، معلم بازداشتی

- دانشجویان متحد:

1- میکائیل دادرس صابری به قتل رسید

2- حسام طبسی به قتل رسید

3- پوریا جوادی به قتل رسید

4- حسین رادی به قتل رسید

5- علیرضا مقدسی نیکو به قتل رسید

6- گزارش دانشجویان متحد از بازداشت دانشجویان در جریان اعتراضات اخیر

7- دیاکو رجبی بازداشت شد

8- آرمین منصورف بازداشت شد

9- سعید علیزاده بازداشت شد

10- عباس قراگوزلو بازداشت شد

11- امیررضا دستورانی با قید وثیقه آزاد شد

12- سعید جوانبخت آزاد شد

- بازداشت فرانک حجازی زاده و انتقال وی به زندان اوین

- بی خبری مطلق از وضعیت آیلین صحراگرد طی ۲۶ روز گذشته

- گزارشی درباره مصدومین اعتراضات سراسری دی ماه 1404

- بیانیه انجمن پزشکان عمومی ایران در پی حوادث اخیر کشور؛ تأکید بر حفظ جان و کرامت انسان‌ها، اسرار بیماران و امنیت مراکز درمانی

- بیانیه مشترک تشکل‌های مستقل

افزایش مزد در گرو مبارزه همه جانبه با دولت سرمایه داری است

- جان باختن کارگر یک معدن شن و ماسه اصفهان بر اثر سقوط در دستگاه سنگ‌شکن

*در مواجهه با اخبار بحران و جنگ، چطور از خود مراقبت کنیم؟

«وقتی اخبار جنگ و بحران مدام تکرار می‌شوند، ذهن و بدن ما آن‌ها را مثل یک تهدید واقعی تجربه می‌کنند؛ حتی اگر از نظر فیزیکی در خطر نباشیم. مراقبت از خود در این شرایط به معنی بی‌تفاوتی نیست، بلکه راهی است برای اینکه بتوانیم هوشیار، همدل و مؤثر باقی بمانیم.

راهکارهای ساده و کاربردی:

«مصرف خبر را مدیریت کن

فقط از چند منبع محدود و قابل اعتماد خبر بگیر

زمان مشخصی برای چک کردن اخبار داشته باش (نه مدام)

اعلان‌های خبری را خاموش کن

متن و تحلیل را جایگزین ویدیو و تصاویر خشن کن

■ از پیگیری و سواسی اخبار بد فاصله بگیر

چک کردن مداوم اخبار اضطراب را کم نمی‌کند، بیشترش می‌کند
اگر دیدی بدنت منقبض شده یا نفس کوتاه شده، از خبر فاصله بگیر

■ بین همدلی و غرق شدن مرز بگذار

دیدن رنج دیگران مهم است، اما قرار نیست آن را به تنهایی حمل کنی
به جای «چقدر وحشتناک است؟» بپرس: «الان چه کار سازنده‌ای از من برمی‌آید؟»

■ بدن را به حالت امن برگردان

چند بار در روز نفس عمیق بکش (۴ ثانیه دم، ۶-۸ ثانیه بازدم)

راه برو، کمی بدنت را حرکت بده، آب بنوش

خواب و غذا را تا حد امکان منظم نگه دار

■ به خودت اجازه استراحت بده

لذت بردن، خندیدن یا تمرکز روی زندگی شخصی خیانت به درد جهان نیست

این کارها انرژی لازم برای ادامه دغدغه‌مندی را تأمین می‌کنند

■ حس اثرگذاری بساز

یک کار کوچک اما واقعی انجام بده: کمک، آموزش، حمایت، آگاهی‌رسانی

عمل، احساس درماندگی را کاهش می‌دهد

■ با آدم‌ها در ارتباط بمان

درباره احساسات حرف بزن، نه فقط درباره اخبار

ارتباط انسانی قوی‌ترین عامل کاهش اضطراب است

■ اگر فشار روانی شدید شد، کمک بگیر

بی‌خوابی، تپش قلب یا افکار ناامیدکننده نشانه ضعف نیست

صحبت با روان‌شناس یا مشاور یک اقدام مسئولانه است

یادمان باشد:

مراقبت از سلامت روان در زمان بحران، یک انتخاب شخصی نیست؛ پیش‌شرط ماندن، فهمیدن و
کنش مسئولانه است.

این توصیه‌ها براساس دستورالعمل‌های «خودمراقبتی در بحران» انجمن روان‌شناسی آمریکا، «راهنماهای سلامت روان در شرایط بحران، جنگ و اضطراب» موسسه ملی سلامت روان (NIMH) و «سلامت روان در دوران اضطراب» سازمان جهانی سلامت، تدوین شده‌اند.

منبع: کانال روزآروز

***بازداشت صدها کارگر معترض به وضعیت معیشتی توسط کلان پیمانکار نفت!**

قرارگاه خاتم الانبیا بنگاه اقتصادی یا ماشین چاپ اسکانس دستگاه سرکوب!

طبق گزارش همکاران از منطقه اقتصادی پارس جنوبی؛

صدها کارگر پروژه ای شرکت عمران ساحل، پیمانکار زیر مجموعه سپاه در پروژه های اجرایی منطقه اقتصادی پارس جنوبی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه شان هم زمان با گسترش اعتصابات سراسری در دی ماه دست از کار کشیدند.

این کارگران با وجود فشارها و تهدیدهای بسیار ایستادگی کرده و با تأکید بر خواسته‌های شان از حضور در محیط‌های کاری امتناع نمودند.

همزمانی این مقاومت و همبستگی کارگران با اعتصابات سراسری کشور و به ویژه اعتراضات کارگران و مردم شهرهای مجاور منطقه اقتصادی پارس جنوبی، منجر به خشم عوامل قرارگاه خاتم الانبیا که خود دست به کار سرکوب اعتراضات و کشتار مردمی در منطقه عسلویه، کنگان، دیر، لامرد و پارسیان و... بودند گردید و با بازداشت گسترده کارگران حتی بصورت دستگیری برخی در خانه و خوابگاه‌های شرکتی، اقدام به سرکوب اعتصاب این همکاران نمودند.

همچنان در برخی از شرکت‌های هم جوار خبر می‌رسد که با شناسایی کارگران پروژه ای و بهره برداری، رسمی، قراردادی و ارکان ثالث که در اعتراضات شرکت داشته اند، برخورد امنیتی صورت گرفته و برخی از کارگران در بازداشت به سر می‌برند.

از ماه گذشته تا کنون حدود سی کارگر پروژه ای دارای مهارت فنی با پا در میانی و انتخاب مدیران شرکت عمران ساحل با پرداخت وثیقه های سنگین آزاد گردیدند و بقیه کارگران بازداشتی بدون حق ملاقات و تماس با خانواده هایشان در یک سوله، متعلق به قرارگاه خاتم الانبیا نگهداری میشوند که طبق گفته همکاران در این مدت برخی از کارگران با پرونده سازی های امنیتی به زندانهای بوشهر و شیراز منتقل گردیده اند.

با توجه به نگهداری کارگران بازداشتی طی یک ماه گذشته در یک سوله کارگاهی و نبود امکان ارتباطی با کارگران، از وضعیت سلامتی این کارگران اخبار دقیقی در دسترس نیست و طبق اعلام خانواده این همکاران، نهادهای امنیتی این کارگران را با وعده آزادی از حق برخورداری از وکیل منع نموده اند.

همچنین از همکاران در پتروشیمی نگین مکران، پالایشگاه گاز فجر جم و شرکت پتروپالایش کنگان، که در روزهای ۸، ۹ و ۱۷ دی‌ماه نسبت به شرایط معیشتی و دستمزدهای معوقه در اعتصاب بودند

اخباری مبنی بر احضار کارگران و بازداشت های موقت دریافت نمودیم و کارگران اعلام کردند بر خلاف تمامی وعده های ماه گذشته هیچ یک از معوقات مزدی و خواسته های کارگران محقق نگردیده است و شرایط در محیط های کاری شدیداً امنیتی و تحت سرکوب است!

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی از اعتراضات کارگری در نفت اعلام میدارد؛

با وجود شرایط بحران معیشتی، کاهش شدید قدرت خرید و غیر قابل حل بودن بحران اقتصادی ناشی از ناکارآمدی و فساد ساختار حکومت و دست درازی باندهای مافیایی در تمامی بخش های تولیدی و اقتصادی، ما کارگران نفت در برابر این حجم از سرکوب و ستم سکوت نخواهیم کرد .

یک دستاورد مهم اعتراضات ما کارگران نفت قطعاً حمایت از ایستادگی همکاران بخش های مختلف در برابر فشارهای حراستی و امنیتی بخصوص در سال های اخیر بعنوان عامل اصلی گسترش اعتراضاتمان و شکستن فضای خفقان در نفت بوده است.

ما پس از سرکوب و کشتار مردمی که از دی ماه گذشته در جریان است، اعتراض و اعتصاب را بدیهی ترین حق خود دانسته و هشدار میدهیم، در صورت تداوم خشونت ها و بازداشت همکاران در پارس جنوبی و تمامی بخش های نفت از ابزار متفاوت اعتراضی خود به ویژه اعتصاب و تعطیلی کامل محیط های کاری بهره خواهیم گرفت!

ما با هماهنگی با شوراهای مستقل نفت در غالب شوراهای اعتراضی، در برابر این بنگاه های مافیایی، غارتگر و آدمکش دست از خواسته های برحق خود، حمایت از همکاران بازداشت شده و خون خواهی از جوانان کشته شده مان نمیکشیم و با تکرار خط و نشان از پیش اعلام شده، آمادگی کامل داریم تا نفت، این سرمایه کلان و حق عموم مردم را از چنگال طبقه مفتخور حاکم و عوامل تضمین امنیتشان خارج نماییم.

***ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با تجمع مقابل اداره تامین اجتماعی شهرستان شوش**

(شروع تجمع با یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جان باختگان اعتراضات سراسری دی ماه 1404)

روزیکشنبه 19 بهمن

شعارها:

« فقط کف خیابون به دست می آید حق مون »

« بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن »

« معیشت منزلت حق مسلم ماست »

« جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه»
 «کومهار تورم دروغ می گید به مردم»
 «گرانی تورم بلای جان مردم»
 «نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت»
 «کشور پر در آمد چه بر سر تو آمد»
 «هزینه ها دلاریه حقوق ما ریالیه»
 «حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته»
 «خونی که دررگ ماست هدیه به معیشت ماست»
 «بیمارستان ملکی حق مسلم ماست»
 «دولت حیا کن سازمان و رها کن»



***تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی؛ فراخوان تجمع اعتراضی برای دومین روز متوالی**

جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد: فریبکاری، دروغ و بازی با معیشت کارگر

امروز (یکشنبه 19 بهمن) بار دیگر کارگران گروه ملی فولاد اهواز ثابت کردند که اگر اراده کنند، برای احقاق حق خود به میدان می آیند با صلابت، با آگاهی و بدون ترس. این حضور دوباره یک پیام روشن داشت: کارگر را نه می شود فریب داد و نه خسته کرد. هیچ مانعی، هیچ تهدیدی و هیچ بازی جلودار مطالبه گری کارگری که به حق خود آگاه است نخواهد بود.

سؤال روشن ما از مسئولین شرکت این است:

چرا هر بار که به زمان پرداخت حقوق می‌رسیم، ناگهان حساب‌ها بسته می‌شود؟

چرا یک روز سیستم مشکل دارد و روز دیگر دستور نیامده؟

این همه بهانه‌تراشی‌های تکراری و نخنما را چه کسی باید باور کند؟

این دیگر تأخیر نیست این یک سناریوی حساب‌شده برای فرسایش روح و معیشت کارگر است.

وقتی مدیرعاملی با رانت بر مسند می‌نشیند، وقتی اطرافش را مشاوران دروغگو، فرصت‌طلب و دست‌درازی به بیت‌المال پر کرده‌اند، نباید انتظار صداقت، تدبیر و دلسوزی داشت. مدیری که درد کارگر را نفهمد، چون خودش هر ماه از چند جا حقوق می‌گیرد، اساساً نمی‌داند شرمندگی جلوی زن و بچه یعنی چه. نتیجه چنین مدیریتی، چیزی جز دروغ، فریب و غارت حق کارگر نخواهد بود.

اما این ماجرا اینجا تمام نمی‌شود.

فردا دوباره برمی‌گردیم این بار با عزمی جدی‌تر، محکم‌تر و آگاهانه‌تر.

کارگران گروه ملی نشان داده‌اند که هر وقت بخواهند، می‌توانند و این می‌توانیم یک شعار نیست، یک تجربه‌ی تکرار شده است.

خطاب به کارگران شریف و آگاه

به حرف‌های کارگرناها، چاپلوس‌ها و بلندگوهای مسئولین گوش ندهید. تصمیم‌گیری برای آینده‌تان را به هیچ‌کس واگذار نکنید. هر قدمی که برداشته می‌شود باید حاصل خرد جمعی خود کارگران باشد، نه توصیه‌های کسانی که نانشان در سکوت و تسلیم شماست.

ما هر وقت خواستیم، توانستیم.

و این بار هم می‌توانیم.

وعده ما فردا دوشنبه

مورخ ۱۱۰۲۰/۱۴۰۴

ساعت ۳۰/۸ صبح

درب تالار اجتماعات

***ادامه اعتراضات کارکنان دفاتر تعاونی‌های شهرستانی سهام عدالت کشور نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و بی‌خیالی صاحب منصبان با سفر به تهران برای چندمین بار و برپایی تجمع مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی**

کارکنان دفاتر تعاونی‌های شهرستانی سهام عدالت کشور در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و بی‌خیالی صاحب منصبان برای باری دیگر از سراسر کشور خود را به تهران رساندند و روز یکشنبه 19 بهمن مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی تجمع کردند.



تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: تجمع امروز ما در نتیجه بی توجه وزارت اقتصاد و دارایی به آخرین پیگیری های ما کارکنان شاغل در تعاونی های شهرستانی سهام عدالت است که در مهرماه انجام شده است .

معترضان تأکید کردند: مهم ترین خواسته شان دریافت فوری و بدون قید و شرط معوقات حقوقی و بیمه ای است که بیش از سه سال (از سال 1402) به تأخیر افتاده است .

تجمع کنندگان که نزدیک به 19 سال در دفاتر تعاونی های سهام عدالت فعالیت کرده اند: می گویند هنوز وضعیت شغلی شان مشخص نیست و پس از این مدت طولانی، فرصت اشتغال در نهاد دیگری را از دست داده اند .

به گفته برخی کارکنان، علی رغم پیگیری های مکرر، مصوبات شورای عالی بورس و وعده های پیشین مسئولان وزارت اقتصاد و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، همچنان وضعیت معیشتی و استخدامی کارکنان سهام عدالت بی پاسخ مانده و بسیاری از کارکنان از سر بی پولی ناچار شده اند برای حضور در تجمع امروز از دیگران قرض کنند .

به گفته یکی از معترضان: «ما در سرمای شدید زمستان، در آستانه شب عید، ناچار شدیم از شهرستان های مختلف به تهران بیاییم تا شاید صدای مظلومیت خود و خانواده هایمان را به گوش مسئولان برسانیم. بیش از سه سال است که هیچ دریافتی ای نداشته ایم و عملاً در شرایطی زندگی می کنیم که حتی توان تأمین ضروریات زندگی را از دست داده ایم.»

به گفته وی؛ باید برای آینده شغلی کارکنان تعاونی های شهرستانی دفاتر سهام عدالت که اکثر آن ها از افراد معلول و زنان سرپرست خانوار تحصیل کرده و مددجویان کمیته امداد و بهزیستی هستند، چاره ای اندیشیده شود تا بعد از سال ها زحمت سروسامان بگیرند و منبعی برای امرار معاش خود داشته باشند.

تجمع‌کنندگان در پایان خواستار ورود فوری دولت، وزارت اقتصاد و سایر دستگاه‌های مسئول برای تعیین تکلیف پرداخت معوقات سه‌ساله، ساماندهی وضعیت بیمه‌ای و ایجاد امنیت شغلی برای کارکنان تعاونی‌های سهام عدالت شهرستانی شدند.

***صدای حق خواهی جمعی از پرستاران استان اردبیل**

جمعی از پرستاران استان اردبیل طی نامه سرگشاده خطاب به مسئولین پرستاری و ریاست دانشگاه علوم پزشکی اردبیل برای احقاق حق خود، صریح و روشن شرایط برده وار کار پرستاری را بیان کرده اند.

به گزارش کانال شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در این نامه آمده است:

"ما پرستاران استان اردبیل، ناچار شده‌ایم صدای خود را از مسیر رسانه‌ای مطرح کنیم؛ چرا که پیگیری‌های مکرر درون‌سازمانی، تاکنون نتیجه‌ای ملموس نداشته است.

❖ در حال حاضر ۹ ماه معوقه تعرفه پرستاری داریم.

❖ آخرین تعرفه پرداخت‌شده مربوط به خرداد ۱۴۰۴ است.

❖ طبق وعده اعلام‌شده، مقرر بود هر ماه تا پانزدهم ماه حداقل یک تعرفه واریز شود تا از افزایش معوقات جلوگیری گردد.

❖ با این حال، طی دو ماه گذشته تنها یک تعرفه آن هم در دو قسط ۵۰ درصدی پرداخت شده است.

❖ اکنون که ۱۸ ماه است، حتی به همان تعهد حداقلی نیز عمل نشده.

این موارد مستند، قابل پیگیری و غیرقابل انکار است."

در این نامه تاکید شده است مقایسه شرایط شغلی بین استانها و شهرهای مختلف پاسخ مطالبات برحق ما پرستاران نمی باشد و گفته شده است:

"پرستاران استان اردبیل با سایر استانها مقایسه شده‌اند؛ مقایسه‌هایی که در مواردی با اطلاعات نادرست همراه بوده است.

برای نمونه، عنوان می‌شود استان گیلان تا تیرماه پرداخت داشته، در حالی که پرداخت آن‌ها مربوط به مردادماه بوده و حتی با همین حساب نیز حداقل یک ماه عقب‌تر از موعد هستند. این نوع مقایسه‌ها، نه کمکی به حل مسئله می‌کند و نه منصفانه است.

همکاران ما در باره شرایط تورم و هزینه‌های سنگین زندگی تاکید کرده اند:

"در شرایطی که تورم سنگین، هزینه‌های زندگی را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش داده، چگونه انتظار می‌رود پرستار با حقوق حدود ۱۶ میلیون تومان و ۹ ماه معوقه پرداخت‌نشده، به کار خود ادامه دهد؟

اینکه به پرستاران گفته شود «نسیه کار کنید» یا «در سایر استان‌ها هم وضعیت مشابه است»، نه پاسخ است و نه راه‌حل.

پرداخت اضافه‌کاری و تعرفه، وظیفه قانونی و بدیهی کارفرماست، نه امتیاز.

پرستار نباید برای دریافت حق مسلم خود، ماه‌ها در انتظار بماند.

همچنین در این نامه آمده است:

"ما منتظر پرداخت معوقات خود هستیم و انتظار داریم زمان‌بندی شفاف و قابل اتکا برای تسویه بدهی‌ها اعلام و اجرا شود".

● التیماتوم همکاران در ادامه وضعیت موجود:

"لازم می‌دانیم صریح و بدون تعارف اعلام کنیم که ادامه این وضعیت می‌تواند منجر به ترک کار، اعتصاب و توقف ارائه خدمات توسط پرستاران شود. تا امروز، وجدان کاری، تعهد حرفه‌ای و دغدغه بیماران اجازه چنین تصمیمی را به ما نداده است؛ اما واقعیت این است که با ۹ ماه معوقه، حقوق ناکافی و فشار معیشتی سنگین، پرستاران بیش از این توان ادامه ندارند. از این پس، شرمندگی در برابر خانواده و ناتوانی در تأمین حداقل‌های زندگی، ما را ناچار خواهد کرد که در چارچوب مطالبات صنفی و قانونی، دست به اعتصاب بزنیم. مسئولیت تبعات این تصمیم، مستقیماً متوجه مدیرانی است که با بی‌عملی و خلف وعده، پرستاران را به این نقطه رسانده‌اند"

***ادامه اعتراضات جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری تهران**

روزیکشنبه 19 بهمن، جمعی از کسبه بازار جنت در ادامه اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری تهران، زدند و خواستار جبران خسارات شدند.



در همین رابطه: تجمع اعتراضی جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از آتش سوزی مقابل ساختمان شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران وابسته به شهرداری فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، از تجمع اعتراضی روز شنبه 18 بهمن، جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از آتش سوزی مقابل ساختمان شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران وابسته به شهرداری، خبر می دهند.

براساس گزارش رسانه ای شده، روز پنجشنبه 16 بهمن، دو روز پس از آتش سوزی، کاسبان بازارچه جنت که حالا تمام مال و اموال خود را در آتش از دست داده اند، برای شنیده شدن صدای شان در خیابان «نیلوفر» که کوچه کناری بازارچه است، جمع شده اند. همه در حال گفت و گو هستند. چند مرد و زن به دیگران می گویند که در مصاحبه با تلویزیون درخواست جبران خسارات کنند. یک زن مشغول گرفتن شماره مال باختگان است تا لینک کارزاری را که برای مطالبه جبران خسارات بازارچه جنت ایجاد شده است، برای آنها بفرستد. در این میان «خانم میم» در گوشه خیابان به دیوار حائل بزرگراه تکیه داده است؛ او که دارای دو غرفه لباس زیر مردانه و زنانه بود، می گوید: «آتش نشانی دیر رسید و وقتی هم رسید، تانکرهایش آب نداشت. قبلا اینجا یک لوله آب اضطراری بود که چند سال پیش برای زدن ورودی مناسب معلولین برداشته شد. یکی از آتش نشانان به من گفت شانس

آوردید در «نیایش مال» آب وجود داشت، وگرنه آتش سوزی خاموش نمی شد». او از سال 1392 در «بازار جنت» کار می کند و نزدیک به 12 سال از عمر خود را صرف ایجاد یک کسب وکار مطمئن برای خود در این بازارچه محلی کرده است: «الان هرکسی هرچه را داشته و نداشته از دست داده است. ما اینجا 350 غرفه بودیم، همه غرفه داران هم از قشر ضعیف هستیم و حالا در شب عید، تمام سرمایه خود را از دست داده ایم و کلی چک داریم که باید پاس شود». «خانم میم» می گوید پیمانکار بازارچه برای آنکه از مخارج کم کند، سیستم اطفای حریق را از اول فعال نکرده است: «این بازارچه را در 20 روز ساختند و پس از ساخت به خاطر اینکه هزینه نکنند، تنها به گذاشتن چیلر و سیستم اطفای حریق نمایشی بسنده کردند. این امکانات هیچ گاه به شکل واقعی فعال نشد و همیشه به ماموران بازرسی شهرداری (hse) می گفتند کپسول ها چک شده و ایمن است؛ درحالی که هیچ وقت چک نمی شد و در این حادثه نیز کپسول ها فقط 20 ثانیه کار کردند». سروصدایی بلند می شود، «خانم میم» بی توجه به جمعیت ادامه می دهد: «دست فروش نیستیم که ما را به جای دیگری منتقل کنند. ما اصلا دیگر چیزی برای فروش نداریم. ما درخواست داریم اول خسارت ما را بدهند و دوم اینجا را مثل دفعه اول که 20 روزه ساخته شد، دوباره بسازند».

****نیمکت های خالی**

کودکان از دست رفته؛ خاطره ای که خاموش نمی شود

خون کودکان بی گناه، محصول مستقیم سرکوب بی رحمانه است. هر نیمکت خالی، فریاد خاموش نسلی است که با تیر و وحشت از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شده و یادآور نسلی است که با خشونت، آینده اش ربوده شد.

215- نام کودک: ایلیا اجاقلو / ۱۸ ساله

محل کشته شدن: زنجان

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

216- نام کودک: پریمه نیک پرور / ۱۸ ساله

محل کشته شدن: بندرعباس

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

پریمه نیک پرور ۱۸ ساله و ساکن #بندرعباس در تاریخ ۱۸ دیماه 1404 مورد اصابت شلیک نیروهای حکومتی قرار می گیرد و بعد از سوار شدن به آمبولانس به دلیل عدم رسیدگی به موقع و خون ریزی زیاد کشته می شود.

وی دانش آموز رشته علوم تجربی مدرسه آوینی بندرعباس بوده و آرزو داشت روزی پزشک جراح بشود.

و محرومیت از حقوق قانونی، موجب نگرانی گسترده خانواده، همکاران و فعالان صنفی و مدنی شده است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت تداوم بازداشت غیر قانونی عبدالله رضایی، خواستار آزادی هر چه سریعتر ایشان و سایر معلمان و دانش آموزان در بند است .

***دانشجویان متحد:**

1- میکائیل دادرس صابری به قتل رسید

جاویدنام میکائیل دادرس صابری، دانشجوی ۲۲ ساله رشته مهندسی مکانیک، شامگاه ۱۹ دی ماه در شهر رشت با شلیک مستقیم سرکوبگران جمهوری اسلامی به قلب او کشته شد.

پیکر او شامگاه یکشنبه ۲۱ دی ماه، شبانه و در فضایی امنیتی به خاک سپرده شد.

جاویدنام میکائیل دادرس صابری، در ویدیویی که از او منتشر شده می‌گوید: «بچه‌ها اگه من شهید بشم، حتما منو یادتون باشه».

2- حسام طبسی به قتل رسید

جاویدنام حسام طبسی، دانشجوی ۲۰ ساله رشته حسابداری، روز ۱۹ دی ماه به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی کشته شد.

گفته می‌شود مادر حسام طبسی سه روز بعد پیکر فرزندش را در کهریزک پیدا می‌کند.

3- پوریا جوادی به قتل رسید

جاویدنام پوریا جوادی، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد در تهران، در جریان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ بر اثر اصابت گلوله جنگی به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی کشته شد.

او اهل داراب در استان فارس بود و پیش‌تر مدرک کارشناسی خود را در رشته برق از دانشگاه بیرجند دریافت کرده بود. پیکر او روز ۹ بهمن به زادگاهش منتقل و به خاک سپرده شد.

4- حسین رادی به قتل رسید

بنابر گزارشات رسیده به دانشجویان متحد، حسین رادی، دانشجوی معماری در دانشگاه آزاد نجف‌آباد، در روز جمعه ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴ به قتل رسید.

او متولد ۵ فروردین ۱۳۸۰ و بیست و چهار ساله بود. پدر او ابراهیم رادی رزمنده جنگ ۸ ساله ایران و عراق بود.

بنابر روایات عینی، او زمانی که به کمک چند خانم رفته بود، از ناحیه سینه مورد اصابت گلوله جنگی قرار گرفت که از بالای مسجد صفا به سوی او شلیک شده بود.

5- علیرضا مقدسی نیکو به قتل رسید

بنابر گزارشات رسیده به دانشجویان متحد، علیرضا مقدسی نیکو، دانشجوی ۲۱ ساله مقطع کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات در دانشگاه سمنان، روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ در شهر اندیشه فاز ۱ بر اثر اصابت گلوله از ناحیه گردن به قتل رسید.

ویدیوی ارسال شده نشان می‌دهد که در مراسم تشییع علیرضا مقدسی نیکو شعار این گل پر پر شده هدیه به میهن شده سر دادند.

6- گزارش دانشجویان متحد از بازداشت دانشجویان در جریان اعتراضات اخیر

در جریان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴، شمار زیادی از دانشجویان به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی بازداشت (<https://t.me/anjmotahed/8449>) شده‌اند. در ادامه لیست دوم از اسامی دانشجویان، دانش‌آموختگان و اساتیدی که در جریان این اعتراضات بازداشت شده‌اند، منتشر می‌شود.

این لیست شامل کسانی است که بازداشت‌شدن آن‌ها رسانه‌ای شده، اما تاکنون خبری مبنی بر آزادی آن‌ها منتشر نشده است.

لیست دوم از اسامی دانشجویان، اساتید و دانش‌آموختگانی که بازداشت‌شده‌اند و تاکنون خبر آزادی آن‌ها رسانه‌ای نشده، به شرح زیر است:

مهشاد کشانی، دانشجو (<https://t.me/anjmotahed/8118>)

امیرحسین خالقی، دانشجوی رشته حقوق دانشگاه رجایی قزوین
(<https://t.me/anjmotahed/8134>)

کیان سالارنژاد، دانشجوی رشته صنعت و معدن دانشگاه سیستان و بلوچستان
(<https://t.me/anjmotahed/8153>)

امیرمحمد رستمی، دانشجوی رشته معماری (<https://t.me/anjmotahed/8160>)

پوریا علی‌یاری، دانشجوی رشته مهندسی ایمنی مجتمع آموزش عالی فنی‌مهندسی اسفراین
(<https://t.me/anjmotahed/8162>)

علیرضا خزایی، دانشجوی اهل نهاوند (<https://t.me/anjmotahed/8163>)

رامین پوراصل، دانش‌آموخته‌ی آهنگسازی دانشگاه هنر تهران
(<https://t.me/anjmotahed/8180>)

ایمان چشته دانشجوی رشته حقوق دانشگاه مهاباد (<https://t.me/anjmotahed/8202>)

نبی امید، اقتصاد و مدیریت مالی دانشگاه پیام‌نور ایلام (<https://t.me/anjmotahed/8201>)

علی‌اکبر امیدی، استاد علوم سیاسی اهل ملکشاهی (<https://t.me/anjmotahed/8201>)

شیدا نامجو و زینب ایوانی، دانشجویان دانشگاه بیرجند (<https://t.me/anjmotahed/8216>)

مصطفی محمدحسن، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه شریف
(<https://t.me/anjmotahed/8309>)

عباس یوسفی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۴ کارشناسی ارشد تاریخ ایران پس از اسلام تهران
(<https://t.me/anjmotahed/8325>)

امین پورفرهنگ، دانشجوی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
(<https://t.me/anjmotahed/8371>)

سامان گریزی، دانشجوی مهندسی مکانیک در دانشگاه صنعتی اراک
(<https://t.me/anjmotahed/8340>)

سهند عباس‌نیا، دانشجوی رشته معماری دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز
(<https://t.me/anjmotahed/8388>)

پریسا حریری، دانشجوی ۱۹ ساله (<https://t.me/anjmotahed/8333>)

امین نوروزی، دانشجوی رشته تاریخ یزد (<https://t.me/anjmotahed/8396>)

ایلیا بخشایی، دانشجوی علوم ورزشی یزد (<https://t.me/anjmotahed/8397>)

ایلیا میرزایی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ رشته سلولی مولکولی دانشگاه علوم و تحقیقات
(<https://t.me/anjmotahed/8400>)

رضا وفايي، دانش‌آموخته رشته نفت دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(<https://t.me/anjmotahed/8451>)

محمدحسین طالبی، دانشجوی رشته حقوق دانشگاه آزاد آمل
(<https://t.me/anjmotahed/8452>)

امیرحسین حیدری، عرفان پرورش، امیرمحمد ابریشمی، محمد سیادت، حمزه علیمزادی و شایان
خدایار، از دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
(<https://t.me/anjmotahed/8456?single>)

بهداد پیری دانش‌آموخته رشته زیست سلولی و مولکولی دانشگاه بهشتی و دانشجوی دانشگاه علوم و
تحقیقات (<https://t.me/anjmotahed/8460>)

هومن جلیل، دانشجوی ۲۲ ساله دکترای حرفه‌ای دانشگاه چمران اهواز
(<https://t.me/anjmotahed/8462>)

محمد مهدی ماکان نعمتی، دانشجوی ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد ایلام
(<https://t.me/anjmotahed/8464>)

پدرام علمداری دانشجوی فیزیک دانشگاه تبریز (<https://t.me/anjmotahed/8466>)

علی آل‌بوحلاف و حسین عوده، دو دانشجوی آبادانی رشته‌ی میکروبیولوژی دانشگاه آزاد ورامین
(<https://t.me/anjmotahed/8469?single>)

آرتین پریوش (دولت‌آبادی)، دانشجوی انصرافی رشته هوافضا
(<https://t.me/anjmotahed/8472?single>)

امیر سلیمانی، دانش‌آموخته‌ی مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشجوی کارشناسی
ارشد مشاوره توانبخشی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی
(<https://t.me/anjmotahed/8478>)

سمیه حیدری و علی ابراهیمی، دانشجویان دانشکده فیزیک دانشگاه تبریز
(<https://t.me/anjmotahed/8479?single>)

امیرحسین محمدی، دانشجوی ۲۶ ساله ترم سوم رشته‌ی نقاشی ایرانی دانشگاه هنر تبریز
(<https://t.me/anjmotahed/8486>)

سهند طاهری، دانشجوی رشته گرافیک ورودی ۱۴۰۲ دانشگاه هنر تبریز
(<https://t.me/anjmotahed/8487>)

مهتاب صالحی، دانشجوی رشته زبان فرانسه دانشگاه تبریز
(<https://t.me/anjmotahed/8501>)

علی‌اصغر عبادی، دانشجوی دانشگاه هنر تبریز (<https://t.me/anjmotahed/8509>)

رضا طاهری دانشجوی دکترا رشته میکروبیولوژی (<https://t.me/anjmotahed/8510>)

تارا داوودی، دانشجوی سابق رشته نقشه‌برداری دانشگاه اصفهان و کیمیا داوودی، دانشجوی سابق
رشته حقوق دانشگاه رازی کرمانشاه (<https://t.me/anjmotahed/8511>)

مجید حقیقت، فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد تربیت مدرس
(<https://t.me/anjmotahed/8518>)

حسین مزینانی فارغ‌التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر از دانشگاه خواجه نصیر و موسیقی از دانشگاه
هنر تهران، مهدی مزینانی فارغ‌التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر از دانشگاه شریف
(<https://t.me/anjmotahed/8519>)

امیرمحمد سرحدی و علی گیلانی، دانشجویان رشته حقوق دانشگاه باهنر کرمان و محمد محمدیان،
دانشجوی حقوق دانشگاه آزاد کرمان (<https://t.me/anjmotahed/8524?single>)

ستار گوهری‌فر، دانشجوی بیوتکنولوژی ورودی ۱۴۰۳ دانشگاه بهشتی
(<https://t.me/anjmotahed/8526>)

ایلیا کلنگیر، دانشجوی رشته دبیری تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان اراک
(<https://t.me/anjmotahed/8544?single>)

سروش ضحاکان، دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه تبریز
(<https://t.me/anjmotahed/8547>)

علی اسدالهی، دانشجوی اخراجی علم و صنعت (<https://t.me/anjmotahed/8529>)

دانیال صالحی، دانشجوی انصرافی ۲۴ ساله و اهل ایذه
(<https://t.me/anjmotahed/8550?single>)

آیدا کوشکی، دانشجو و معلم زبان انگلیسی ۲۳ ساله‌ی اهل اسلام‌آباد غرب
(<https://t.me/anjmotahed/8557>)

بهزاد صحتی و لعیابابیک، اساتید دانشگاه معماری و هنر پارس
(<https://t.me/anjmotahed/8432>)

سهراب عصاره، دانشجوی پزشکی ورودی ۱۴۰۱ دانشگاه علوم پزشکی ایران
(<https://t.me/anjmotahed/8564>)

علی خانپور، دانشجوی ۲۰ ساله مهندسی پزشکی دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(<https://t.me/anjmotahed/8565>)

کسری امینی، دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه سمنان (<https://t.me/anjmotahed/8567>)

دیاکو رجبی متولد ۱۳۸۰، دانشجوی رشته‌ی تغذیه دانشگاه زنجان
(<https://t.me/anjmotahed/8573>)

7- دیاکو رجبی بازداشت شد

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، دیاکو رجبی متولد ۱۳۸۰، دانشجوی رشته‌ی تغذیه دانشگاه زنجان و شاغل در یک کافه، روز ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ پس از خروج از محل کار خود، در حوالی خیابان سعدی زنجان بازداشت شده است.

تا لحظه انتشار این خبر، اطلاعی از نهاد بازداشت‌کننده و وضعیت فعلی او در دسترس نیست.

8- آرمین منصورف بازداشت شد

آرمین منصورف دانشجوی رشته‌ی اقتصاد هفته گذشته در منزل پدری‌اش در شهر سردشت آذربایجان غربی بازداشت شد.

9- سعید علیزاده بازداشت شد

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، سعید عزیزاده، دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته‌ی معماری دانشگاه بین‌المللی قزوین، روز ۲۲ دی‌ماه با هجوم نیروهای امنیتی به منزل شخصی‌اش در تهران بازداشت شده است.

بنا بر اطلاعات موجود، او اهل اردبیل است و به‌تازگی از پایان‌نامه‌ی خود دفاع کرده، هم‌اکنون در شرایط نامناسب در زندان فشافویه نگهداری می‌شود.

10- عباس قراگوزلو بازداشت شد

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، عباس قراگوزلو، دانشجوی رشته‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز بازداشت شده است.

در حال حاضر تصویری از عباس قراگوزلو در اختیار ما قرار نگرفته است. در صورتی که عکس یا اطلاعات تکمیلی درباره‌ی وضعیت او در اختیار دارید، لطفاً برای ما ارسال کنید.

11- امیررضا دستورانی با قید وثیقه آزاد شد

به گزارش مجمع دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، امیررضا دستورانی، دبیر این مجمع و دانشجوی کارشناسی رشته‌ی مهندسی انرژی، به قید وثیقه آزاد شد.

12- سعید جوانبخت آزاد شد

سعید جوانبخت، اهل یاسوج و دانشجوی اینترن پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در جریان اعتراضات دی‌ماه به دلیل کمک به مجروحان بازداشت شده بود، پس از فشارهای متعدد دانشجویان و برگزاری تجمعات متعدد برای آزادی وی، روز گذشته آزاد شد.

***بازداشت فرانک حجازی‌زاده و انتقال وی به زندان اوین**

طبق گزارش ارسالی به بیدارزنی، فرانک حجازی‌زاده، ۳۰ ساله، کارشناس بهداشت محیط و مدرس زبان آلمانی، روز ۱۸ دی‌ماه در خیابان کاشانی تهران بازداشت شده است.

او پس از بازداشت به زندان اوین منتقل شده و هم‌اکنون در بند ۲۰۹ این زندان نگهداری می‌شود.

گفتنی است که صدها نفر از بازداشت‌شدگان دی‌ماه خونین با شرایط بسیار وخیم جسمی و روانی به زندان‌های سراسر کشور منتقل شدند. تا کنون قوه قضاییه و سازمان امور زندان‌ها با اشد سرکوب و خشونت و باز گذاشتن دست ضابطین پرونده در اعمال اقسام شکنجه، وثیقه‌های میلیاردری و کمرشکنی را نیز برای معذور بازداشت‌شدگانی که در شرف آزادی هستند، قرار داده است. از این رو خانواده‌های بسیاری ناتوان از تهیه وثیقه و سرگردان هستند. صدایشان باشیم.

***بی‌خبری مطلق از وضعیت آیلین صحراگرد طی ۲۶ روز گذشته**

بیدارزنی: آیلین صحراگرد، دختر ۲۴ ساله و از شهروندان بهایی است. نیروهای لباس شخصی روز سه‌شنبه ۲۳ دی‌ماه به منزل شخصی وی در کرمان هجوم برده و او را بازداشت کردند.

طی ۲۶ روز گذشته، هیچ نهاد امنیتی و اطلاعاتی، خبری از محل نگهداری و سلامت او به خانواده ندادند و به شدت نگران جان فرزند خود هستند. صدایش باشیم.

رسانه‌ای شدن نام فرد بازداشتی، نخستین کمک به آنان است. اعلام وضعیت فرد (بهرهمندی از تماس، عدم تماس، جزئیات پرونده و یا اعلام بی‌خبری مطلق) دست ظابطین پرونده را در اعمال شکنجه، ناپدیدسازی قهری و پرونده‌سازی‌های سنگین، کوتاه می‌کند. صدایشان باشیم.

*گزارشی درباره مصدومین اعتراضات سراسری دی ماه 1404

یکی نابینا شده، دیگری با خطر قطع عضو مواجه است و بسیاری هم درگیر عفونت‌های شدید هستند. آنها کسانی هستند که در ماجراهای دی‌ماه مصدوم شدند، اما هنوز به مراکز درمانی مراجعه نکرده‌اند یا مراجعه‌های دیر هنگامی داشته‌اند؛ زخم‌هایی که به‌جای اتاق عمل، در خانه مداوا شدند. ترس از بازداشت یا احضار باعث شده بسیاری از مجروحان، درمان را به تعویق بیندازند یا اصلاً به مراکز درمانی مراجعه نکنند؛ تعویقی که حالا برای بعضی از آنها به نابینایی، خطر قطع عضو، عفونت‌های شدید و ناتوانی دائمی و حتی مرگ انجامیده است.

در حالی که مسئولان وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی تأکید می‌کنند مراکز درمانی باید فضایی امن و بدون فشارهای امنیتی برای همه بیماران باشد، با این حال روایت زخمی‌ها و بخشی از کادر درمان از شرایط دیگری در بیمارستان‌ها حکایت دارد؛ فضایی که مجروحان را وادار کرده زخم‌های عمیق ناشی از شلیک ساچمه و تیر جنگی را در خانه تحمل کنند که همین مسئله عوارض جسمی متعددی برای آنها در پی داشته و خواهد داشت. با این حال رئیس سازمان نظام پزشکی توضیح می‌دهد که بیش از 25 هزار نفر از مجروحان اعتراضات، در بازه‌ای حدود یک هفته، به مراکز بهداشت و درمان کشور مراجعه کرده‌اند. مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت هم بازگو می‌کند که پس از هشدارها درباره خطر درمان دیر هنگام، نزدیک به 3 هزار نفر دیگر که پیش‌تر به دلیل ترس مراجعه نکرده بودند، به مراکز درمانی مراجعه کرده و خدمات دریافت کرده‌اند.

درمانی نیمه‌کاره و پاهای مجروح

تعدادی از ساچمه‌ها را با کمک مادر و خواهرش از کمر و پشت ساق پا بیرون کشیده‌اند، اما درد هنوز همراه روز و شب امیرعلی است؛ پسر جوانی که به دلیل نگرانی از برخوردهای قضائی به مراکز درمانی مراجعه نکرده است: «شاید نزدیک به 70 ساچمه به بدنم اصابت کرده بود. آنقدر درد داشتم که همان ۱۸ دی، بعد از شلیک، دوستانم زیر بغلم را گرفتند و من را به خانه رساندند. همان شب خواهرم از داروخانه بتادین، آب‌مقطر، پانسمن و چند داروی قوی مسکن و آنتی‌بیوتیک تهیه کرد. با کمک مادرم چند ساچمه را خارج کردند ولی باقی در بافت بدنم ماند. از گردن تا پشت مچ پاهایم آسیب دیده است. درد بسیار بدی بود و پزشک معتمدی هم نمی‌شناختیم تا برای معاینه مراجعه کنیم. یک هفته بعد دوستانم، دندان‌پزشک سالخورده‌ای را معرفی کردند که به آنجا رفتم، چند ساچمه دیگر را تخلیه کرد و قرار شد چند روز بعد دوباره مراجعه کنم؛ چون گفتند احتمال عفونت زخم‌ها بسیار بالاست. فردای همان روز شنیدم که وی دستگیر شده، بنابراین پس از آن به پزشک دیگری مراجعه نکردم. از ترس عفونت زخم‌ها مرتب آنتی‌بیوتیک مصرف می‌کنم ولی هنوز درد شدیدی دارم. حس می‌کنم ساچمه‌ها در بدنم حرکت می‌کنند. وقتی پاشنه پاهایم را زمین می‌گذارم انگار

میخ کف پایم فرومی‌رود و نمی‌دانم با این وضعیت باید چه کار کنم، چون توان راه رفتن را از من گرفته است.»

عصب انگشتم از کار افتاده

دستانش باد کرده بود و بی‌حسی در انگشتانش شروع شده بود که برای مراجعه به پزشک اقدام می‌کنند. محسن جوان دیگری است که نوزدهم دی‌ماه با شلیک ساچمه، دستش دچار آسیب می‌شود: «همان شب خودم را به خانه رساندم، چون اصلاً قصد مراجعه به مراکز درمان را نداشتم. برای خرید بتادین و باند از داروخانه هم ترس داشتیم. حدود ۱۵ ساچمه در دستم بود که چندتای آنها خون‌ریزی بیشتری داشت که با هیچ مسکنی آرام نمی‌شد. روز بعد دستم به شدت باد کرده بود و انگشتانم هم حرکت نمی‌کرد. حتی خودمان هم سعی کردیم در خانه ساچمه‌ها را بیرون بیاوریم، ساچمه‌ها بسیار عمیق بودند و اصلاً نمی‌شد با موچین یا ابزار ساده آنها را خارج کرد. روز بعد متوجه شدیم که دستم عفونت کرده و ورم دارد و عملاً امکان درمان درست وجود نداشت. بعد از دو روز با پیگیری دوستان‌مان پزشک معتمدی پیدا کردیم و پزشک تأکید کرد باید چند ساچمه حتماً خارج شود، چون نزدیک مفصل است و نیاز به رادیولوژی دارد. ولی به هیچ‌کس اعتماد نداریم و فکر می‌کنم عصب یکی از انگشتانم دیگر کار نمی‌کند. الان مانده‌ام چه کار کنم. امیدوارم حداقل بتوانیم آن یکی یا دو ساچمه‌ای را که آسیب‌زننده‌تر و دردناک‌تر هستند، خارج کنیم.»

تحمل چندین روز درد وحشتناک صورت

درد تجربه هفته‌های اخیر «نگین» است. از هجدهم تیرماه که تیر صورت و فکش را هدف گرفت تا همین حالا، حتی یک وعده غذا هم نخورده و همچنان توان درست حرف زدن ندارد: «یک هفته فقط با نی، مایعات می‌خوردم. فکم نصف شده بود و سقف دهانم هم پاره شده بود. در تمام این مدت درد شدیدی داشتم اما به هیچ مرکز درمانی مراجعه نکردم. تنها غذایی که می‌توانستم بخورم نوشیدنی با نی بود که البته همان هم به سختی می‌خوردم، چون فکم را نمی‌توانستم حرکت بدهم و امکان داشت در گلویم بپرد. فقط یکی از دوستانم که پرستار است سقف دهانم را بخیه کرد، ولی فکم در همان وضعیت بود. بعد از چند روز و تحمل این شرایط وحشتناک، هفته قبل در یک مرکز درمانی، عمل جراحی شدم و در مورد علت هم گفتم گوشه پنجره به صورتم اصابت کرده است، در صورتی که اقدام دیرتر امکان کج‌جوش خوردن و به‌هم‌خوردن ظاهر صورتم را در پی داشت.»

نابینایی و قطع عضو؛ نتیجه درمان دیر هنگام

بسیاری از زخمی‌های اعتراضات اخیر با مراجعه دیر هنگام به مراکز درمان دچار آسیب‌های غیرقابل جبران شدند. همچون پسر جوانی که طبق گفته‌های پرستار یکی از بیمارستان‌های دولتی در تهران، حالا نابینا شده است: «ساچمه کنار چشمش اصابت کرده بود، روزهای اول نوری می‌دید، اما چون چند روز بعد برای درمان اقدام کرد، به‌طور کامل نابینا شد». این پرستار توضیح می‌دهد: «چند روز بعد از اعتراضات، پسری حدوداً 19 یا 20 ساله به بیمارستان آمد که مشخص بود از درد به خود می‌پیچد ولی به بخش تریاژ مراجعه نمی‌کرد. بعداً متوجه شدیم منتظر آشنایی بوده تا با کمکش بی‌خطر در بیمارستان ویزیت شود. بعد از ویزیت متوجه شدیم دو روز قبل تیر به بازوی او اصابت کرده و کل استخوان بازو خرد شده است. برای درمان در این چند روز به پزشک مراجعه نکرده و

پانسمانی ساده روی زخمی به این هولناکی گذاشته بود. خلاصه عمل انجام شد ولی به دلیل آمبولی و آسیب به عصب دست و عروق دچار عوارض جدی شده بود و به بخش آی‌سی‌یو منتقل شد. ترس از مراجعه به مراکز درمان احتمال قطع عضو دستش را بالا برده بود. با این حال علت جراحی را در پرونده مجهول ثبت کردیم، ولی همین موضوع هم کنجکاوی‌ها را بیشتر کرد.»

در بین کادر درمان روایت‌های متفاوتی از زخمی‌هایی وجود دارد که برای درمان دیر اقدام کرده‌اند. طبق گفته‌های رادیولوژیست یکی از مراکز درمانی تهران روزهای اول مردم از ترس به مراکز درمان و بخش عکس‌برداری مراجعه نمی‌کردند: «برخی از آنها که برای عکس‌برداری می‌آمدند، با درمان در خانه تیرها را از بدن خارج کرده بودند. مثلاً یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر بود. یکی از موارد جوانی 19 ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از پای او بیرون کشیده بودند، اما همچنان درد شدید داشت. در عکس‌برداری مشخص شد هنوز تیر دیگری در پای او وجود داشته که همان منجر به عفونت شدید شده بود. الان که چند هفته از اعتراضات گذشته، همچنان این زخمی‌ها با ترس به مرکز ما مراجعه می‌کنند و همکارانم ساعت‌های خلوت به آنها نوبت می‌دهند تا درگیری ایجاد نشود.»

عوارض درمان دیر هنگام ادامه‌دار است

پزشکان و حتی مسئولان وزارت بهداشت بارها به معترضان که در اعتراضات مورد شلیک قرار گرفته‌اند هشدار داده‌اند تا برای درمان حتماً به مراکز درمانی مراجعه کنند.

بیژن عابدیان، فوق‌تخصص جراحی عروق، به عوارض مختلف درمان‌نکردن زخم‌های ناشی از شلیک ساچمه اشاره می‌کند و می‌گوید: «زخم‌های ناشی از اصابت ساچمه حتی در مواردی که در نگاه اول کوچک یا سطحی به نظر برسند، می‌توانند در صورت درمان‌نشدن منجر به عوارض بلندمدت و گاهی جبران‌ناپذیر شوند. این نوع آسیب‌ها صرفاً یک ضایعه پوستی نیستند و ممکن است ساختارهای عمقی بدن را هم درگیر کرده باشند. برخی از مهم‌ترین عوارض شناخته‌شده عبارت‌اند از عفونت بافت‌های نرم و باقی‌ماندن ساچمه در بدن، خونریزی پنهان، آسیب به اعصاب یا عروق و نکروز یا مرگ بافتی و در مواردی ناتوانی دائمی عضو آسیب‌دیده. نکته قابل توجه آن است که بخشی از این آسیب‌ها در روزهای ابتدایی علامت واضحی ندارند و بیمار با احساس بهبود نسبی مراجعه را به تأخیر می‌اندازد. این تأخیر می‌تواند درمان را پیچیده‌تر کند. گرچه بدن انسان توانایی ترمیم بالایی دارد اما این توان به معنای بی‌نیازی از بررسی پزشکی نیست. برخی خراش‌ها یا زخم‌های کاملاً سطحی ممکن است بدون مداخله خاص بهبود یابند، اما در مورد زخم ساچمه‌ای بدون معاینه دقیق و انجام تصویربرداری نمی‌توان با اطمینان گفت که ساچمه وارد عمق بافت نشده یا به ساختارهای حیاتی آسیب نرسانده است.» او ادامه می‌دهد: «مشکل اصلی این است که بعضی از آسیب‌ها، به‌ویژه آسیب‌های عروقی و عصبی، در ابتدا درد یا علامت شدیدی ندارند. همچنین باید بدانیم که نوع، اندازه و جنس ساچمه می‌تواند بر شدت آسیب اثرگذار باشد. برخی ساچمه‌ها ممکن است در بدن باقی بمانند و به‌مرور باعث التهاب مزمن یا عفونت یا آسیب تدریجی به بافت‌های اطراف شوند. با این حال از دیدگاه پزشکی هیچ نوع ساچمه‌ای وجود ندارد که بتوان با اطمینان گفت نیازی به بررسی پزشکی

ندارد. آسیب به نواحی حساس مانند اطراف چشم یا گونه و دهان و گردن از اهمیت بیشتری برخوردار است. این مناطق به دلیل تراکم بالای اعصاب عروق و ساختارهای حیاتی آسیب‌پذیرتر هستند. در صورت درمان‌نشدن به‌موقع چنین آسیب‌هایی می‌توانند منجر به اختلال بینایی، فلج عضلات صورت، اختلال گفتار و گاهی بدشکلی دائمی شوند. اگر بخواهم کمی تخصصی‌تر صحبت کنم گاهی ساچمه‌ها با ایجاد یک فیستول شریانی وریدی یعنی یک ارتباط بین سرخ و سیاهرگ، وضعیت بدون علامتی می‌دهد که به مرور می‌تواند باعث تورم و درد و گرمی موضع و کاهش خون‌رسانی به اندام شود. تشخیص این عارضه بدون معاینه تخصصی و تصویربرداری دشوار است و تأخیر در درمان آسیب قلبی به همراه دارد، چون بار قلب را اضافه می‌کند. عفونت زخم‌های ساچمه‌ای را نباید دست‌کم گرفت به‌ویژه در صورت باقی‌ماندن جسم خارجی در بدن امکان فاشیئت نکروزان وجود دارد. عفونت با سرعت بالا در امتداد لایه‌های عمقی بافت منتشر می‌شود و می‌تواند به وضعیت خطرناکی منتهی شود.»

این جراح تأکید می‌کند که درد شدید و نامتناسب با ظاهر زخم از نشانه‌های هشداردهنده آن است. این وضعیت یک اورژانس جراحی حیاتی محسوب می‌شود و تأخیر در مراجعه می‌تواند به قطع عضو و حتی مرگ منجر شود. نارسایی عروقی موضعی نیز از دیگر پیامدهای محتمل است. ساچمه می‌تواند باعث پارگی ناقص عروق، اسپاسم عروقی یا انسداد تدریجی جریان خون شود. در صورت درمان‌نکردن کاهش خون‌رسانی به بافت تأخیر در ترمیم زخم نکروز و افزایش احتمال قطع عضو رخ می‌دهد. این مشکل به‌ویژه در اندام‌ها شایع است و گاهی بیمار فقط با احساس سردی و بی‌حسی یا ضعف عضو مراجعه می‌کند، زمانی که آسیب وارد مرحله پیشرفته شده است. در زخم‌های نافذ نزدیک به استخوان خطر بروز استئومیلیت یا عفونت استخوان وجود دارد. این عارضه نیازمند درمان طولانی‌مدت با آنتی‌بیوتیک‌های قوی و گاه جراحی‌های مکرر است و می‌تواند به درد مزمن تغییر شکل استخوان و ناتوانی دائمی منجر شود. عابدیان اضافه می‌کند: «آسیب عصبی نیز حتی بدون قطع کامل عصب ممکن است رخ دهد. له‌شدگی یا کشش یا التهاب عصب می‌تواند باعث بی‌حسی، گزگز یا ضعف عضلانی یا فلج نسبی و دائمی شود. در این نوع آسیب‌ها زمان نقشی تعیین‌کننده دارد و هرچه تشخیص و مداخله زودتر انجام شود، احتمال بازگشت عملکرد عصبی افزایش می‌یابد.»

خطر قطع عضو، نابینایی و عفونت‌های شدید با تأخیر در مراجعه

وجود نگرانی قضائی برای شماری از معترضان مانع از حضور آنها در بیمارستان و مراکز درمان شده است، با این حال محمد رئیس‌زاده، رئیس کل سازمان نظام پزشکی، به تعداد مراجعه‌ها به مراکز درمانی در روزهای اعتراضات اشاره می‌کند و می‌گوید: «بیش از 25 هزار مراجعه به مراکز بهداشت و درمان در مدت‌زمانی حدود یک هفته مدیریت شد و بیش از 13 هزار عمل جراحی سبک و سنگین انجام گرفت. از جراحان عمومی، ارتوپد، پلاستیک و به‌ویژه جراحان چشم گرفته تا متخصصان بیهوشی، آی‌سی‌یو، اورژانس، پزشکان عمومی، پرستاران و مدیران حوزه سلامت، همه با فداکاری، شجاعت و از خودگذشتگی پای کار بودند. در برخی بیمارستان‌ها، حتی بیمارستان‌های خصوصی، با استادان پیش‌کسوت شبانه تماس گرفته شد، آمدند و تا صبح در اتاق عمل بودند، بدون اینکه هیچ حق‌الزحمه‌ای ثبت کنند. برخی به صراحت گفتند هیچ پرونده‌ای برای خودشان شارژ نمی‌کنند. در حوزه چشم‌پزشکی، حجم مجروحان فراتر از ظرفیت تحمل بیمارستان بود، اما استادان

پیش‌کسوت داوطلبانه آمدند و کمک کردند. حتی الان هم که با شما صحبت می‌کنم، خود من هنوز عمل‌های تأخیری این مجروحان را انجام می‌دهم. بیش از پنج تا شش هزار پزشک و جراح به‌طور مستقیم درگیر رسیدگی به مجروحان بوده‌اند و بیش از 60 هزار نفر از کادر درمان، از جمله پرستاران، در این روند مشارکت داشته‌اند.»

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 19 بهمن

***بیانیه انجمن پزشکان عمومی ایران در پی حوادث اخیر کشور؛ تأکید بر حفظ جان و کرامت انسان‌ها، اسرار بیماران و امنیت مراکز درمانی**

در شرایطی که جامعه با پیامدهای تلخ حوادث اخیر روبروست، انجمن پزشکان عمومی ایران ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان، بر اولویت مطلق حفظ جان انسان‌ها، اسرار بیماران و صیانت از امنیت مراکز درمانی و سلامت عمومی تأکید می‌کند.

در شرایط بحرانی، مراکز درمانی و کادر سلامت با فشارهای مضاعف مواجه‌اند. استمرار ارائه خدمات درمانی ایمن و مؤثر، مستلزم امنیت، آرامش و استقلال حرفه‌ای مراکز درمانی و حمایت عملی از پزشکان و کادر درمان است. هرگونه اختلال در روند درمان یا خدشه به امنیت و شأن حرفه‌ای کادر سلامت، سلامت عمومی و اعتماد اجتماعی به مراکز درمانی را به‌طور مستقیم تهدید می‌کند.

در این بیانیه همچنین آمده است که پزشکان، بر اساس سوگند حرفه‌ای و قوانین جاری، موظف به درمان بیماران بدون تبعیض و فارغ از ملاحظات غیرپزشکی هستند و در مقابل، نظام سلامت موظف به تضمین امنیت شغلی، استقلال علمی و رعایت محرمانگی اطلاعات بیماران است.

دسترسی ایمن، به‌موقع و بدون مانع به خدمات درمانی بیماران به مراکز درمانی و ارائه خدمات درمانی، بدون تبعیض و فارغ از هرگونه ملاحظات غیرپزشکی، از حقوق بنیادین بیماران و از ارکان اعتماد عمومی به نظام سلامت کشور به شمار می‌رود و حقی است بنیادین که در هیچ شرایطی نباید محدود یا مخدوش شود.

***بیانیه مشترک تشکل‌های مستقل**

افزایش مزد در گرو مبارزه همه جانبه با دولت سرمایه داری است

اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ فریاد خشم و واکنش به سیاست اقتصادی و معیشتی رژیم و عملکرد سیاسی آن بود که شرایط سخت و فلاکت باری را به توده‌های زیر ستم تحمیل کرده است. این اعتراضات توسط نیروهای سرکوب و دژخیمان حکومت با گلوله و کشتار و زندان پاسخ داده شد. کوچه‌ها و خیابان‌های شهرهای مختلف کشور، به کشتارگاه مردم رنج‌دیده و استثمار شده تبدیل شد و هزاران انسان به ویژه از روز ۱۸ دی ماه و پس از آن به قتل رسیدند. به موازات این کشتار وسیع هزاران نفر دیگر نیز مجروح یا بازداشت و زندانی شدند.

هم زمان با این خیزش عمومی، آمریکا و اسرائیل از یک سو و رضا پهلوی و سلطنت طلبان آلت دست آنها؛ فرصت طلبانه شرایط را برای موج سواری خیزش توده‌ها و انتقام‌گیری از جمهوری

اسلامی مساعد دیدند و با گنده گویی های فریبکارانه و شارلاتانیسم شخص ترامپ و رضا پهلوی، فضای مناسبی برای مطامع تجاوزکارانه و امپریالیستی به دست آوردند .

چنین شرایط خونباری؛ همراه با فقر و فلاکت، عدم امنیت و آسایش، فقدان رفاه و خدمات همگانی، بیکاری گسترده و در یک کلام نبود «نان و آزادی»، زندگی کارگران، زحمتکشان و اکثریت مزدبگیران را بیش از پیش به مرز تباهی و نابودی کشانده و شرایط سخت و طاقت فرسایی را بر جامعه حاکم کرده است .

درست در همین شرایط، صاحبان سرمایه و قدرت - همان هایی که مردم را به خاطر خواست ها و مطالبات برحق شان و خواست "نان و آزادی" در خیابان ها به خاک و خون کشیدند - مترصد فرصتی هستند تا در این فضای مه آلود امنیتی، از طریق عوامل و نهادهای دست ساز خود در پشت درهای بسته جلساتی بگذارند و بر فراز میلیون ها کارگر در باره حداقل مزد کارگران تصمیمات نامیمون خود را اتخاذ کنند.

بدون تردید؛ دولت، کارفرما و سرمایه داران همچون سال های پیش در جلسات شورای عالی کار هرگز تصمیم درستی درباره دستمزد کارگران نخواهند گرفت. زیرا هر چه مزدها پایین تر باشد بر سود سرمایه داران افزوده می شود و دامنه فقر در زندگی کارگران گسترده تر می شود. اندازه سفره کارگران رابطه ای معکوس با حرص و آز سرمایه داران دارد. دستمزدهای زیر خط فقر بیش از پیش بی حقوقی مطلق و خانه خرابی و سیاه روزی را بر زندگی و حیات کارگران تحمیل می نماید .

باید از هم اکنون در برابر این سودپرستان استثمارگر و مدافعان قسم خورده سرمایه مقاومت کنیم و اعتراضات دی ماه را با مبارزه برای افزایش مزد، حق تشکل و سازمان یابی، کاهش ساعات کار و منع مخالفت با شرکت های پیمانکاری و تأمین نیروی انسانی، طرح طبقه بندی مشاغل و سختی کار گره بزنیم و آن را استمرار بخشیم و خواست های مان را ارتقا دهیم. آگاهی از شرایط کار و زندگی، اتحاد و تشکل یابی ما ضامن ارتقای سطح زندگی و تأمین رفاه اجتماعی طبقه کارگر می گردد و مهم ترین عمل برای دگرگونی مثبت و ثمربخش اوضاع کنونی خواهد بود. باید برای مطالبات خود متحدانه مبارزه کنیم و حقوق خود را از حلقوم استثمارگرانی که با بهره کشی از دسترنج کارگران، ثروت های نجومی به جیب می زنند، بیرون بکشیم .

دستمزد ماهیانه ای که این چپاولگران، بدون ارتباط با نمایندگان واقعی و منتخب کارگران برای ما تعیین می کنند، با توجه به تورم لجام گسیخته و گرانی سرسام آور مایحتاج زندگی، حتی هزینه های یک هفته از زندگی کارگران و مزد بگیران را تأمین نمی کند . دستمزد ما باید بر اساس هزینه های واقعی زندگی و معادل هزینه متوسط یک خانوار چهار نفره شهری در جامعه باشد، چنین دستمزدی باید بتواند رفاه اجتماعی کارگران و مزدبگیران، اعم از خوراک و پوشاک و مسکن مناسب، تا دسترسی کامل به آموزش، بهداشت، درمان و خدمات رفاهی و غیره را تأمین نمایند. در شرایط کنونی، با توجه به تورم ساختاری و افسار گسیخته و کاهش قدرت خرید، افزایش واقعی دستمزدها، یک ضرورت فوری و حیاتی است.

اگر پیش تر گفته می شد حداقل دستمزد نباید کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، در شرایط کنونی، با توجه به تورم افسارگسیخته، سقوط مداوم قدرت خرید و گرانی روزانه کالاهای مورد نیاز مردم، این

مبلغ دیگر پاسخگوی حداقل‌های یک زندگی معمولی و متعارف هم نیست. این رقم امروزه باید بیش از ۶۰ میلیون تومان باشد. (بر اساس داده های آماری و به اقرار افراد و نهادهای حکومتی مزد حداقل باید حدود ۷۰ میلیون تومان باشد.)

ما تسلیم مزدهای تحقیرآمیز و تا چندمرتبه زیر خط فقر، که صاحبان سرمایه و قدرت می خواهند آن را از طریق نمایندگان شان در "سه جانبه" دولت، کارفرما و نمایندگان فرمایشی کارگران، به ما تحمیل نمایند نخواهیم شد.

ما کارگران که تولید کننده ثروت و رفاه جامعه هستیم، با امید به آینده‌ای رها از بندگی، اسارت و استبداد، و با آرزوی زندگی‌ای شایسته و سرشار از رفاه و آزادی، مبارزه می کنیم و با اتکا به نیروی جمعی خود، برای به تحقق پیوستن آن، متحدانه به پیش خواهیم رفت.

ما همچنین ضمن محکوم نمودن سرکوب، بازداشت و کشتار معترضان، خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و بازداشتی های اعتراضات سراسری هستیم.

تنها راه دفاع از حقوق کارگران را، تشکیل‌یابی مستقل، همبستگی طبقاتی و سازمان‌یافتگی سراسری است.

متحد شویم، متشکل شویم و سرنوشت خود را تغییر دهیم.

۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۴

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

***جان باختن کارگر یک معدن شن و ماسه اصفهان بر اثر سقوط در دستگاه سنگ‌شکن**

روزیکشنبه 19 بهمن، کارگر 50 ساله یک معدن شن و ماسه واقع در محدوده روستای آمرزیدآباد، اتوبان فرودگاه اصفهان بر اثر سقوط در دستگاه سنگ‌شکن جان خود را از دست داد .

akhbarkargari2468@gmail.com